



## این صفحه بایگانی شده و دیگر به روز نمی شود.

اطلاعات بیشتر درباره بایگانی شدن صفحات (به انگلیسی).



به روز شده: 18:18 گرینویچ - چهارشنبه 03 نوامبر 2010 - 12 آبان 1389

چاپ مطلب

### فرهنگ ایران

## بیطرفی، جانبداری، جاسازی پیام

محمد قائد

نویسنده و روزنامه نگار

از همین نویسنده

شاملو؛ دهه و دهه ها



معصومیت برادرفته شاعر



لینک های مرتبط اینترنتی

رازها و رمزگشایی ها

این صفحه برای شما جای مناسبی نیست

تقدس و ابتذال ستونهای چاپی

نظر دیگران

بی بی سی مسئول محتوای سایت های دیگر نیست



محمد قائد

همان گونه که انتظار می رود قاضی دادگاه عاری از جانبداری باشد، آیا روزنامه نگار هم وظیفه دارد کنار بایستد و از موضوعی که قرار است درباره آن خبر منتشر کند یا نظر بدهد چنان فاصله بگیرد که گویی اهل این دنیا نیست؟

جانبداری نبودن قاضی اگر به حد بی تفاوتی برسد می تواند زیانبار باشد و او را به ابزار اجرای دستور دیگرانی که در پس آینه طوطی صفتش داشته اند کاهش دهد. قاضی دلخواه، انسانی است دارای عواطف و احساسات و عقیده و سلیقه؛ اگر مثل چوب خشک باشد صلاحیت داوری در

کردار انسانها ندارد. آنچه از او در جایگاه قضا انتظار می رود این است که، در عین پرشوری بودن به عنوان انسان فهیم، کیفرخواست دادستان، دفاع متهم و نظر هیئت منصفه را با کتاب قانون و رویت قضایی بسنجد.

قانون یعنی توافقنامه ای که فردا صبح ممکن است با قیام و قعودی دیگر تغییر یابد؛ رویت قضایی یعنی عادت و انتظار مردم؛ نظر هیئت منصفه یعنی بازتاب وجدان جامعه؛ وجدان یعنی غلبه احساسات موروثی بر عقل اکتسابی؛ و جامعه یعنی مکانی پر از حب و بغض و انواع سلیقه و عقیده.

آیا می توان به خبر اجازه داد علناً پیام داشته باشد؟ یا باید مراقب بود، مانند کالای قاچاق، پیامی لایه لای سطرهایش جاسازی نکنند؟

اروین شرودینگر، فیزیکدان اتریشی، در حیطه کار خودش نتیجه گرفت نظاره کردن به قصد قضاوت درباره پدیده بر چندوچون آن اثر می گذارد. توقع ظاهراً ساده حقیقت گویی و حقیقت نویسی در عمل به این موقعیت دشوار می انجامد که محتوای خبر ممکن است بخشی از موضوع مورد بحث شود. قضیه ای که امروز صبح درباره اش خبر چاپ کرده آید یا نظر داده آید همان موضوع دیشب نیست. در نتیجه زیر دژه بین رفتن، چه بسا در افکار عمومی تصویری جدید و ابغادی تازه یافته باشد. هر قدر هم با فروتنی بنویسید بیطرف هستید و اذعان کنید احساسی نسبت به اصل موضوع ندارید و برایتان چندان مهم نیست، خوانند گانی با قاطعیت خواهند گفت این را نوشته اند — یعنی حقیقت ناب با قاطعیتی متناسب با اعتبار نشریه و سطح اجتماعی خوانندگانش اعلام شده است.



در جوامعی از قبیل ایران، بانیان وضع موجود همواره شکایت دارند جراید داخلی، اگر مهار آنها را رها کنند، و رسانه های خارجی با بزرگ جلوه دادن اقلیتهای نالازم سعی در ایجاد چنددستگی و نهایتاً اغتشاش دارند.



نمی توان در روزنامه درباره کمبود گندم و افزایش نرخ طلا نوشت و، با این استدلال حق به جانب که ما نه نانوایم و نه طلافروش، انتظار داشت خواننده ها هم بی تفاوت بمانند و فوراً برای خرید این کالاها صف نکشند. در همه جای دنیا معترضان تا چشمشان به دوربین تلویزیون می افتد احتمال دارد رفتارشان تشدید شود: اگر صحبت می کردند حالا فریاد می کشند، اگر خواستار برکناری وزیر بودند حالا کل دولت باید برود. چنانچه بیطرفی اصل باشد،

باید تظاهرات اعتراضی را یکسره نادیده گرفت زیرا وقتی به آن توجه کنیم به احتمال زیاد متفاوت با هنگامی است که نادیده گرفته شود.

یکی از اتهامهای همیشگی خبرنگاران غربی در جهان سوم این است که جزء را می بینند اما کل را، مغرضانه، ناگفته می گذارند. در واقعیت زندگی، مسافر تازه وارد دنبال کسانی می گردد که زبانشان را بفهمد و بتواند حرف آنها را به مخاطبانش برساند. ناظری که به حضور انجمنهای دفاع از آزادی بیان و سخنگویان اتحادیه ها عادت کرده است به سراغ معادل آنها در محیط جدید می رود. دولت‌های جهان سوم می گویند اینها اقلیتی اند ناچیز. گزارشگر خارجی می گوید اگر واقعاً این طور است چرا به اقلیتی کم اثر اجازه معرفی نامزد در انتخابات نمی دهند؟

دولت‌های جهان سوم، در مقابل، می گویند مسئله اقلیت و اکثریت نیست، پای حقیقت در میان است. و حقیقت همیشه در دستان توانای دولت است، نه در اختیار يك مشت آدم متفرقه.

در جاهایی از دنیا به تجربه نتیجه گرفته اند که برای حفظ وضع موجود باید چیزهایی را پیوسته تغییر داد، همچنان که برای راندن در خط مستقیم باید فرمان اتومبیل را مدام به چپ و راست حرکت دهیم. تحمل دخالت اقلیتها و ظاهراً کوچکها و کم اثرها در امور سیاسی بخشی از مهارت در نوسانهای کنترل شده برای حرکت در خط مستقیم است.

در جوامعی از قبیل ایران، بانیان وضع موجود همواره شکایت دارند جراید داخلی، اگر مهار آنها را رها کنند، و رسانه های خارجی با بزرگ جلوه دادن اقلیتها نالازم سعی در ایجاد چنددستگی و نهایتاً اغتشاش دارند. چه در رژیم سابق و چه امروز می نالند رسانه های خارجی اصرار دارند بیانیه ای که چند آدم هیچکاره از روی میلهای سالن پذیرایی شان صادر کرده اند بدیل برنامه دولت که تمام مسئولیتها به عهده آن است تلقی شود.



در این اعتراض، ارباب قدرت میل دارند نکته ای مهم نادیده بماند: خود اینکه چند نفر جرئت کنند در خانه ای بیست و چهارساعته تحت نظر پلیس مخفی، جمع شوند و بیانیه بنویسند و امضا کنند خبر است. اینکه حرفشان تا چه اندازه قابل دفاع است و خریدار دارد باید در صفحات جراید و در انتخاباتی آزاد و عادلانه سنجیده شود.

در ایران این حرف که روزنامه نگار نباید قاطی کار سیاسی شود تبدیل به ترجیح بندی شده که تکرارکنندگان انگار به تمام جوانب آن توجه ندارند. نرخ نان، قیمت ارز و بیانیه چند نفر ناراضی خیر است و خبر سیاسی است زیرا بر دآوری خواننده از وضع موجود اثر می گذارد.

تمام اینها هر روز در بولتنهای محرمانه به دست مقامها می رسد. اما بولتن محرمانه، نسبت به نشریه معمولی، به مراتب کمتر لحن و آب و رنگ دارد؛ بیشتر در حکم بخشنامه ای است به افراد صاحبمنصب که در ملاء عام چه بگویند و چه نگویند. آنچه فکر عامه خواننده ها را می سازد لحن و تأکید و بخصوص تیترو روزنامه است بالای خبرهای مربوط به نان و ارز و بیانیه چند آدم ناراحت.

روزنامه نگار، چه فعال سیاسی باشد و چه ادعای بیطرفی کند، هر روز ناچار از انتخاب است زیرا مشاهده تحولات جامعه، نوشتن یا ویراستاری خبر و تیتروزدن بالای آنها شغل اوست. و به عنوان آدمی اهل این دنیا، عقاید و احساسهایی دارد و حق خویش می داند که دآوری کند. از پیشداوری هم عاری نیست زیرا فکریهایی را می پسندد و از کسانی خوشش نمی آید. با نصیحت و بخشنامه نمی توان تمام اینها را از سرش بیرون کرد.

اما فقط چون از کسانی خوشش نمی آید به خودش اجازه نمی دهد حرفشان را تحریف کند و استدلالشان را از ریخت بیندازد، برای خراب کردن اشخاص آسمان ریسمان بیافد و اتهامهایی کلیشه ای بپراند که خوب می داند نامربوط یا بی پایه اند.

”  
خود اینکه چند نفر جرئت کنند در خانه ای بیست و چهارساعته تحت نظر پلیس مخفی، جمع شوند و بیانیه بنویسند و امضا کنند خبر است. اینکه حرفشان تا چه اندازه قابل دفاع است و خریدار دارد باید در صفحات جراید و در انتخاباتی آزاد و عادلانه سنجیده شود.  
“

قلمزن در هر جامعه ای چه بسا تمام آنچه را می داند روی کاغذ نیارود و سخنران تمام آنچه را در سر دارد در يك ضرب بر زبان جاری نکند. نام این خویشتنداری، خودسانسوری، یعنی سانسور بی اختیار، نیست. محدودیت ستون یا صفحه، دلایل اخلاقی، موازین قانونی، ملاحظات شخصی و رفاقت، یا بیم از خصومت هم دخالت دارد. اما به آنچه می نویسد باید اعتقاد داشته باشد و بتواند از حرفش دفاع کند. دفاع نه به معنی توسل به مصلحت وقت، بلکه در

“

مفهوم اعتقاد به معیاری یکسان در برخورد به موضوعها.

آنچه اهمیت دارد این است که منصف، متعادل و معتدل باشد. بیطرفی اگر هم امکان داشته باشد صفتی لزوماً مثبت نیست. آدمها وقتی بیطرفند که عملاً به موضوع مورد نظر اهمیت چندانی ندهند. کسی که در برابر انقراض نسل کانگوروها بیطرف باشد نزد او بودوبودشان علی السویه است.

در بحث بر سر بیطرفی یا جانبداری (مانند کلیشه علم یا ثروت) جای نکته مهم دیگری هم خالی است: تأکید بر کیفیت فرد روزنامه نگار به بهای نادیده گرفتن کمیت صنف روزنامه نگار. دو یا ده یا صد جریده نگار شریف و چیزفهم برای گلستان کردن جامعه کافی نیست. باید نشریاتی متنوع و متعدد و پایدار هم وجود داشته باشد تا صفات مطلوب بتوانند در سطحی گسترده رشد یابند. صفات منصف، متعادل و معتدل را خوانندگانی تشخیص می دهند که بتوانند نشریه دلخواه خود را انتخاب کنند، بخردند و بخوانند. در رقابت تجاری و در مقایسه نمونه هاست که می توان گفت این روزنامه متعادل تر از آن یکی، و این نویسنده منصف تر از بسیاری همکارانش است.

گرفتاری جامعه ایران این نیست که روزنامه نگارها آیا به اندازه کافی بیطرفند یا زیرجلی کار سیاسی می کنند؛ به حقیقت (معنی آن هرچه باشد) متعهدند یا خبر می سازند؛ گرایش خود را در مطلبی که به چاپخانه می فرستند دخالت می دهند یا فرشته عدالتی اند که با چشمهای بسته می نویسند و تاپ می کند.

گرفتاری این است که به کسب وکار مطبوعات فرصت رشد داده نمی شود و قدرت سیاسی نه همراه با اعتبار فرهنگی و همزاد متن مکتوب، بلکه مبتنی بر امرونی شفاهی است. ایران در ته فهرست ممالکی است که درس خوانده شهری نشریاتی در سطح توقع و سواد و طرز فکر خود در برابر ندارد.



مطالبی مناسب وعظ و خطابه و بخشنامه از تلویزیون پخش می شود و عین همان را در قالب روزنامه چاپ می کنند. اما مخاطب چنین بخشنامه هایی اهل روزنامه خواندن نیست، تا چه رسد به پول دادن و خریدن. نیازی هم ندارد. با نیم ساعت تماشای تلویزیون وطنی می توان مضمون هفته ها رج زدن آن به اصطلاح جراید را شنید — خلاص.

در شرایط مورد نظر اهل بحث در بیطرفی یا جانبداری، مطبوعات نقش ناظر و برابر نهاد و هدایت کننده و مربی و منتقد تلویزیون را بر عهده دارد نه نسخه کتبی اش.

حملة واعظ به مطبوعات تأثیری بر تیراژ ندارد و اغلب تمهیدی است برای تشدید سرکوبی. مستمع پای منبر، اگر هم خواندن بداند، معمولاً روزنامه را حتی اگر مجانی باشد بر نمی دارد نگاه کند. در مقابل، مطبوعات مستقل وقتی همان وعظ را به شیوه و با تیتیر خودشان چاپ می کنند تیراژ بالا می رود. فرهنگ شفاهی در حیطه مکتوب چه بسا اسباب خنده و حیرت شود.

در سریال شبهای برره، پرسوناژ روشنفکر برای هر یک از ۹۴ اهل روستا یک نسخه روزنامه چاپ می کند اما گاه یک نفر تمام تیراژ را می خرد و خوراک بژنس می کند، یا یک نفر دیگر از نویسنده می خواهد آنچه را چاپ کرده است برایش بخواند.

”

در جاهایی از دنیا به تجربه نتیجه گرفته اند که برای حفظ وضع موجود باید چیزهایی را پیوسته تغییر داد، همچنان که برای راندن در خط مستقیم باید فرمان اتومبیل را مدام به چپ و راست حرکت دهیم.

“

هیئت حاکمه ایران در خرده فرهنگی پرورش یافته است که روزنامه نگار را، در بهترین حالت، همتراز مدّاح و پامنبری می بیند و، گرچه کاسب حبیب خداست، به حرفه مطبوعات نگاهی مثبت ندارد. به نظریش در مرز مکاسب حلال و حرام معلق است و هرچه کمتر بهتر (محمدعلی رجائی در مقام نخست وزیر گفت همین اطلاعات و کیهان کافی است). فکر و حرف نو را مشکوک تلقی می کند و از همان عهد پیدایش مطبوعات در عصر مشروطیت خریدن کاغذپاره برایش پول دورریختن و حتی کمک به برنامه های استعماری بود. اخبار مهم را نرخ طلا و ارز می داند که با

تلفن هم می توان از این و آن پرسید، و آگهی مجالس ختم که استثنائاً دروغ نیست و اشخاصی واقعاً مرحوم شده اند.

با آن زمینه فکری، امروز بولتنهای محرمانه را برای خودش، و تلویزیون وطنی را برای موافقانش کافی می داند. تعجبی ندارد اندک خریداران جراید سوسپیدی که برای حفظ ظاهر چاپ می شود اغلب آدمهای

کمتر متدیّنی اند که خواندن جزو عاداتشان است و حاضرند هر روز پول بدهند تا سر در بیاورند کسانی چه پابوشی می دوزند و چه آشی می پزند.

فیلم خبری وقتی اشخاصی را نشان می دهد که کنار پیاده رو ایستاده اند و روزنامه هایی نزدیک سطح زمین را مطالعه می کنند می توان با اطمینان گفت ایران است. روزنامه در همه جای جهان بیشتر دیدنی است تا خواندنی. اما در ایران درست همان جماعتی که حاضرند برای خواندن روزنامه پول بدهند از داشتن روزنامه مورد علاقه خویش محرومند.

در اوضاع و احوالی که جنگ فرسایشی بین ایران و اسلام شدّتی بی سابقه می باید، این اندرز که قلمزن مطبوعات به اندازه توریست خوش خلق بیطرف بماند و درگیر موضوعها نشود کمی زیادی شیک و بلکه غیرعملی است.

آبان ۸۹

چاپ مطلب

درباره این سایت ها

ارسال به شبکه های اجتماعی

Facebook Balatarin Donbaleh Delicious

6 5 4 3 2 1

گزیده ها



حال مریض ما چطور است



مردی با کلاه گاندی؛ نماد مبارزه با فساد در هند



آمار بالای بی سابقه دانشجویان چینی در خارج از این کشور



فریدام هاوس: دولت ایران با آزادی اینترنتی فعالانه در جنگ است

خدمات

وبجت موبایل آر اس اس پادکست دریافت روزانه اخبار از طریق ایمیل

CBBC  
CBeebies  
Comedy  
Food  
History  
Learning  
Music  
Science  
Nature  
Local

Northern Ireland  
Scotland  
Wales  
Full A-Z

BBC

موبایل

شرایط استفاده  
حفظ اطلاعات شخصی

درباره ما  
راهنمای دسترسی به سایت  
تماس با بی بی سی

بی بی سی مسئول محتوای سایت های دیگر نیست © 2014 BBC